

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ مارچ ۲۰۱۸

ادامه دشمنی "مزاری" و "فهیم" بعد از مرگ

جمعه- ۱۸ حوت ۱۳۹۶ - کابل: امروز در دو قسمت کابل به منظور بزرگداشت از مرگ دو قاتل و دو جنایتکار در تاریخ افغانستان معاصر، دو محفل برگزار شده بود که در آنها بیش از هزاران نفر شرکت ورزیده، اگر از مردم عادی شرکت کننده در آنها بگذریم، گفته می توانیم هر دو مجلس از مراکز تجمع خائیان به وطن به شمار می آمدند. این محافل و مراسم به نظر من از چند جهت تقابل دقت می باشند:

۱- غرض از تشکیل هر دو مجلس بیشتر از آن که عشق و علاقه به مردگان و یا هم تجلیل واقعی از کارنامه های آنها باشد- زیرا عمدتاً کارنامه های آنها را جنایت، آدمکشی و خیانت می ساخت- به منظور رقابت های درون جناحی خودشان و نمایش قدرت علیه باند رقیب در ارگ یعنی فاشیست های "غنی- اتمر- گلبدین" بود.

۲- جناح فاشیست های "باند ارگ" خلاف سالهای گذشته به خصوص زمان "کرزی" که به مثابه نمایی از آشتی اقوام در همچو مراسمی شخصاً شرکت می ورزید، گذشته از آن که در مراسم مربوط به "قسیم فهیم" با آن که در مقام معاونیت اول ریاست جمهوری مرده بود، شرکت محسوس نداشت، در مراسم مربوط به "مزاری" به جای فرستادن پیام و یا شرکت مستقیم، با فرستادن افرادی از "مهمانان جناب رئیس" چند تن را به خاک و خون کشید.

۳- هر چند در هر دو محفل، اکثر سخنرانان دم از وحدت تحمل و همگرایی زده، نفاق و شفاق را محکوم نمودند، مگر تدویر دو محفل در یک روز که می توانست در روز های مختلف برگزار گردد- فهیم در ۱۸ حوت مرده بود و مزاری در ۲۲ حوت- در ذات خود نمایانگر آن است که دو طرف تمام آنچه را در مورد وحدت و همگرایی می گویند، صحبت های شان ریاکارانه و از روی مکر و فریب بوده، هدف شان از آن حرفها، خر ساختن شنوندگان است و خود به آنچه می گویند نه عمل می کنند و نه هم باور دارند.

۴- محفل مربوط به "فهیم" به وضاحت نشان می داد که علت برگزاری آن لشکر کشی "عبدالمود" و پسر "فهیم" علیه رقبای داخلی آنها بوده، تا جایی که شنیده می شود به اجازه و به دستور شخص "غنی احمدزی" و به منظور اعتبار دادن به "عبدالمود" برگزار شده بود. این مسأله زمانی از اهمیت خاصی برخوردار می گردد که می بینیم در بین شرکت کنندگان در مراسم که رتق و فتق امور آن را پنجشیری ها من جمله وزیر داخله به عهده داشت، رئیس "جمعیت اسلامی" یعنی "صلاح الدین ربانی" نه تنها حضور محسوس نداشت، بلکه نامی از وی نیز برده نشد.

۴- در محفل مربوط به "مزاری" با آن که افرادی چون "خلیلی" و "سرور دانش" تا هنوز از خیرات سر "مزاری" حیات سیاسی دارند، مگر عدم شرکت شان در مراسم بیانگر آن بود که نه تنها تمام مراسم از طرف رقیب آنها یعنی "محقق" برنامه ریزی و عملی شده است، بلکه در موازنه قدرت بین "محقق" در یک جانب و "خلیلی- دانش" در جانب دیگر، رادیکالیسم هزارگی دست بالا یافته، وزنه طرفداران تقابل و جنگ قومی در وجود "محقق" سنگینتر شده است.

۵- در تمام سخنرانی های هر دو محفل، یگانه نکته و حرف مثبتی که زده شد، خلاف همیشه این بار از دهن "سیاف" بیرون شد. "سیاف" بدون آن که از کسی نام ببرد ضمن صحبتش پیشنهاد اخیر "گلبدین" مبنی بر سپردن چند ولایت به طالب را به شدت محکوم نمود. حرفی که هر چند از دهان جنایتکاری چون "سیاف" بیرون شده، باید بدان به دیده قدر نگریست.

۶- این که این محافل چه نتایجی را در آشفته بازار سیاست در افغانستان به دنبال خواهد آورد، مسأله ایست مربوط به آینده:

دیده شود چه می شود!!